

مطالعه تأثیر تمرکز مالکیت بر رابطه بین تهور مالیاتی و عدم تقارن اطلاعاتی

سرور رشتیانی

گروه حسابداری، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.
sorourrashtiani@gmail.com

چشم انداز حسابداری و مدیریت (دوره هفتم)
شماره ۹۰ / بهار ۱۴۰۳ (جلد سوم) / صص ۱۲-۲۳

چکیده

مسأله نمایندگی در نتیجه تفاوت اهداف بین نماینده و مالک ظاهر می‌شود. مالکیت متمرکز شده، شرایطی است که تعداد کمی سهامدار بزرگ بخش مهمی از سهام شرکت را در اختیار دارند. با داشتن سهم زیاد، بزرگ‌ترین سهامدار، می‌تواند به‌صورت دقیق‌تر و آسان‌تر بر شرکت نظارت کند و مدیریت را در انجام دادن کارهای غیرکارا محدود نماید و همچنین باعث کاهش شفافیت اطلاعاتی و عدم تقارن اطلاعاتی در شرکت شود. بنابراین هدف این پژوهش مطالعه تأثیر تمرکز مالکیت بر رابطه بین تهور مالیاتی و عدم تقارن اطلاعاتی است. جامعه آماری پژوهش شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و نمونه مورد مطالعه، شامل ۱۴۰ شرکت پذیرفته شده طی سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۱ است. روش پژوهش توصیفی و از نظر ارتباط بین متغیرها علی-همبستگی است و از نظر هدف کاربردی و از لحاظ رویداد، پس‌رویدادی است. برای پردازش و آزمون فرضیه‌ها از روش رگرسیون و داده‌های تابلویی و همچنین مدل اثرات ثابت استفاده شده است. نتایج به‌دست آمده حاصل از تجزیه و تحلیل فرضیه نشان داد که تمرکز مالکیت بر رابطه بین تهور مالیاتی و عدم تقارن اطلاعاتی تأثیر منفی و معناداری دارد.

واژگان کلیدی: تهور مالیاتی، تمرکز مالکیت، عدم تقارن اطلاعاتی.

مقدمه

عدم تقارن اطلاعاتی پدیده‌ای منفی است که به‌طور معمول در بازارهای اوراق بهادار رخ می‌دهد و باعث می‌شود بین ارزش ذاتی یک سهام و آنچه سرمایه‌گذاران برآورد کرده‌اند، تفاوت ایجاد شود و از این مجرا به اتخاذ تصمیم‌های نامناسب اقتصادی بینجامد. عدم تقارن اطلاعاتی زمانی به‌وجود می‌آید که یک طرف قرارداد یا معامله از اطلاعات بیشتری آگاهی داشته باشد و هنگام برقراری ارتباط با طرف دیگر به‌صورت مؤثر از این اطلاعات استفاده کند. این آگاهی به‌طور عمده برای طرف برخوردار از اطلاعات اضافی، منافع اقتصادی ایجاد می‌کند؛ به‌طوری‌که این منافع به دلیل برخورداری از اطلاعات بیشتر است (خدارحمی و همکاران، ۱۳۹۶).

تهور مالیاتی به دامنه محدودتری از رفتارهای اجتناب مالیاتی اشاره دارد که به‌طور خاص متهورانه باشد. در واقع حمایت ضعیف‌تر قانونی از وضعیت مالیاتی شرکت، به‌طور منطقی نشان‌دهنده تهور مالیاتی آن شرکت است (اعتمادی و همکاران، ۱۳۹۵)؛ سیاست‌های متهورانه مالیاتی اغلب مدیریت کاهش سود مشمول مالیات از طریق فعالیت‌ها و اقدامات برنامه‌ریزی مالیاتی است که می‌تواند قانونی یا غیرقانونی باشد (عبدلی و حق‌نیاز، ۱۳۹۴). پیچیدگی و ابهام فعالیت‌های تهور مالیاتی به دلیل کاهش شفافیت گزارشگری مالی فرصت‌های مناسبی برای سودجویی مدیران ایجاد می‌کند

(بهارمقدم و امینی‌نیا، ۱۳۹۳) و سبب ایجاد مسئله نمایندگی می‌شود (عبدالوهاب و همکاران، ۲۰۱۷). عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و مقامات مالیاتی نیز باعث ایجاد هزینه‌های نمایندگی بسیار زیادی می‌شود (ریگانکوبا و جربویی، ۲۰۱۷)؛ که این هزینه‌ها برای شرکت‌های دارای ارتباط سیاسی با دولت بالاتر است (خان و همکاران، ۲۰۱۶)؛ زیرا شرکت‌ها برای برقراری ارتباط نزدیک با دولت از منافی مانند امتیاز دسترسی به بازار، تخفیف‌های مالیاتی، یارانه‌های دولتی و ... برخوردار خواهند شد (آنینگ سجاتی، ۲۰۰۹). در کشور ایران، روابط سیاسی دارای ابعاد پررنگی است. سیاسی بودن مدیران و مالکان عمده شرکت‌ها به دلیل دولتی بودن شرکت‌ها و صنایع بزرگ بر اقتصاد و نیز نظام اقتصادی حاکم بر کشور یعنی اقتصاد دولتی تأثیرگذار است (نیکومرام و همکاران، ۱۳۹۲)؛ در نتیجه، این روابط سیاسی پررنگ در کشور ایران می‌تواند میزان تهور مالیاتی را افزایش دهد.

ترکیب سهامداران شرکت‌های مختلف متفاوت است. بخشی از مالکیت شرکت‌ها در اختیار سهامداران جزء و اشخاص حقیقی قرار دارد. این گروه برای نظارت بر عملکرد مدیران شرکت به‌طور عمده به اطلاعات در دسترس عموم، همانند صورت‌های مالی منتشره اتکا می‌کنند. این در حالی است که بخش دیگری از مالکیت شرکت‌ها در اختیار سهامداران حرفه‌ای عمده قرار دارد که برخلاف گروه سهامداران نوع اول، اطلاعات داخلی با ارزش درباره چشم‌اندازهای آتی و راهبردهای تجاری و غیره شرکت از طریق ارتباط مستقیم با مدیران شرکت در اختیار ایشان قرار می‌گیرد (نوروش و ابراهیمی، ۱۳۸۴). کنترل مطلق سهامداران عمده بر اداره امور شرکت را تمرکز مالکیت گویند. مالکیت متمرکز ممکن است به موضوع تضاد منافع بین سهامداران اکثریت و اقلیت منجر شود. در واقع سهامداران عمده با کنترل شرکت ممکن است ترجیحات شخصی خود را تحمیل کنند، حتی اگر این خواسته‌ها برخلاف کسانی که سهامدار اقلیت هستند، اجرا شود که نتیجه آن استفاده از راه‌کارهایی برای خروج وجه نقد، کاهش پرداختی مالیات و کسب بازده بیشتر است (باباجانی و عبدی، ۱۳۹۲).

برنامه‌ریزی مالیاتی از طریق صرفه‌جویی مالیاتی، ارزش شرکت را افزایش می‌دهد اما اگر این برنامه‌ریزی بیش‌ازحد متهورانه باشد ممکن است به نزول شرکت منجر شود، و این موضوع منجر به ارتباط غیر مؤثر با سهامداران و بستانکاران شرکت می‌شود؛ و در این شرایط مشکلات ناشی از عدم تقارن اطلاعاتی بیشتر خودنمایی می‌کند. تمرکز مالکیت جنبه مهمی از حاکمیت شرکتی است و عاملی است که می‌تواند مسأله نمایندگی را کاهش دهد. مسأله نمایندگی در نتیجه تفاوت اهداف بین نماینده و مالک ظاهر می‌شود. مالکیت متمرکز شده، شرایطی است که تعداد کمی سهامدار بزرگ بخش مهمی از سهام شرکت را در اختیار دارند. با داشتن سهم زیاد، بزرگ‌ترین سهامدار، می‌تواند به‌صورت دقیق‌تر و آسان‌تر بر شرکت نظارت کند و مدیریت را در انجام دادن کارهای غیرکارا محدود نماید و همچنین باعث کاهش شفافیت اطلاعاتی و عدم تقارن اطلاعاتی در شرکت شود. با توجه به موارد بیان شده، مسأله اصلی پژوهش این است که تا چه اندازه تمرکز مالکیت بر رابطه بین تهور مالیاتی و عدم تقارن اطلاعاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر دارد؟

مبانی نظری پژوهش

تمرکز مالکیت

تمرکز مالکیت به حالتی اطلاق می‌شود که میزان درخور ملاحظه‌ای از سهام شرکت به سهامداران عمده (اکثریت) تعلق داشته باشد و نشان می‌دهد چند درصد سهام شرکت در دست عده محدودی قرار دارد. مالکیت پراکنده (غیرمتمرکز) به این خاطر موجب بروز مسأله نمایندگی در شرکت‌ها می‌شود که توانایی و انگیزه‌های سهامداران برای کنترل مدیریت ضعیف خواهد شد چرا که سهم آن‌ها اندک است. علاوه بر این، سهامداران به‌طور معمول در شرکت‌های مختلفی

سرمایه‌گذاری می‌کنند تا ریسک را از طریق تنوع بخشیدن کاهش دهند. آن‌ها در واقع به امید سودهای آتی پرتفوی سهامشان سرمایه‌گذاری می‌کنند نه به امید آینده بهتر یک شرکت خاص. به‌علاوه سهامداران پراکنده توانایی اینکه مدیریت را به‌طور اثربخش کنترل کنند، ندارند، چرا که اطلاعات کافی و تخصص لازم را به‌منظور اتخاذ تصمیم‌های صحیح دارا نیستند. در مقابل، مالکیت متمرکز به‌صورت قابل توجهی در سهامداران عمده ایجاد انگیزه می‌کند و به‌موازات افزایش سهم آن‌ها در شرکت، انگیزه‌های آن‌ها نیز برای بهبود عملیات شرکت و کنترل مدیریت، بیشتر می‌شود. منافع به‌طور کامل آشکاری از مالکیت متمرکز وجود دارد ولی بحث‌هایی در جهت خلاف آن نیز صادق است. اول اینکه سهامداران عمده به‌طور معمول ریسک‌گریز هستند. مالکیت پراکنده، قابلیت نقدشوندگی بهتر سهام را موجب می‌شود و ایجاد تنوع و به‌منظور ریسک‌پذیری کمتر را برای سرمایه‌گذاران فراهم می‌کند. دوم اینکه وقتی کنترل بیش از حد توسط مالکیت متمرکز صورت می‌گیرد، ذی‌نفعان داخلی (مدیران و کارکنان) را از سرمایه‌گذاری‌های پرهزینه دلسرد می‌کند. سوم اینکه مالکیت متمرکز ممکن است سبب بروز مشکل نمایندگی به نحوی دیگر شود و آن اینکه تعارض و اختلاف بین سهامداران عمده و سهامداران جزء پدید آید. سهامداران عمده انگیزه‌های لازم به‌منظور استفاده از موقعیت کنترلی خود خواهند داشت تا منافع خاص خود را با هزینه سهامداران جزء به دست آورد (مهدوی و حسینی، ۱۳۹۰).

تهور مالیاتی

تهور مالیاتی بدین معناست که حتی اگر همیشه عملی غیرقانونی یا جعلی محسوب نشود، کاهش درآمد مشمول مالیات ممکن است دقیقاً مطابق مقررات نیز صورت نگیرد (بالاکریشنان و همکاران، ۲۰۱۸). زمانی که یک شرکت در شرایط ورشکستگی یا اختلال مالی قرار می‌گیرد، انگیزه بیشتری برای به‌کارگیری سیاست مالیاتی متهورانه دارد (بروندولو، ۲۰۰۹). در صورتی که این مورد اتفاق بیفتد، شرکت‌ها سعی می‌کنند روند واقعی دستیابی به درآمد مشمول مالیات را پنهان کنند؛ زیرا آن‌ها می‌دانند تهور مالیاتی ممکن است آن‌ها را در دادگاه محکوم کند. در این راستا، مدیران گزارش‌های مالی پیچیده‌تری را برای ایجاد سردرگمی و پنهان کردن حقایق اساسی ایجاد می‌کنند (بلومفیلد، ۲۰۰۸).

تهور مالیاتی به دامنه محدودتری از رفتارهای اجتناب مالیاتی اشاره دارد که به‌طور خاص متهورانه باشد. در واقع حمایت ضعیف‌تر قانونی از وضعیت مالیاتی شرکت، به‌طور منطقی نشان‌دهنده تهور مالیاتی آن شرکت است (اعتمادی و همکاران، ۱۳۹۵)؛ سیاست‌های متهورانه مالیاتی اغلب مدیریت کاهش سود مشمول مالیات از طریق فعالیت‌ها و اقدامات برنامه‌ریزی مالیاتی است که می‌تواند قانونی یا غیرقانونی باشد (عبدلی و حق‌نیاز، ۱۳۹۴). تهور مالیاتی به حالتی گفته می‌شود که در آن شرکت با ممیزان مالیاتی به چالش می‌افتد و مالیات ابرازی شرکت تأیید نمی‌شود. چالش بزرگ در تعریف عینی تهور مالیاتی، یک نقطه تفکیک‌کننده است که در آن، رفتارهای اجتناب مالیاتی زیربنایی به دو گروه متهورانه و غیرمتهورانه تقسیم‌بندی می‌شود. این نقطه تفکیک، به گونه کلی در دیدگاه ممیز دیده می‌شود و کاملاً قضاوتی است (اعتمادی و همکاران، ۱۳۹۵). در چارچوب معرفی‌شده، مطابق پژوهش لایتز (۲۰۱۳)، آستانه عدم‌تأیید برای معاملات مرتبط با مالیات در یک حسابرسی مالیاتی، نقطه مرجعی برای تمایز انواع متهورانه و غیرمتهورانه اجتناب مالیاتی معرفی می‌شود. شرکت‌هایی که وضعیت مالیاتی آنان از سوی ممیزان مالیاتی (یا هر نهاد دیگر) با ابهام روبه‌رو شود، متهورانه پنداشته می‌شود. مزیت این معیار آن است که مشخصاً به ارزیابی و قضاوت حرفه‌ای مرتبط شده است (لایتز، ۲۰۱۳). مفهوم تهور مالیاتی (که در آن شرکت با ممیزان مالیاتی به چالش می‌افتد و مالیات ابرازی شرکت تأیید نمی‌شود)، به استفاده از ابهامات قانون برای کاهش مالیات پرداختی اشاره دارد. برای نمونه، یک شرکت ممکن است معامله خاصی را انجام دهد که قانون، به‌صورت شفاف درباره آن نظری نداده و یا به‌دلیل داشتن ویژگی‌های چندگانه، تعیین مالیات قابل‌پرداخت با تفسیر قانون ممکن باشد. در این حالت، شرکت تفسیر بهتر از حیث پرداخت مالیات کمتر را در اظهارنامه

مالیاتی به کار می‌گیرد؛ اما همواره این احتمال وجود دارد که ممیز مالیاتی تفسیر دیگری داشته باشد (اعتمادی و همکاران، ۱۳۹۵).

عدم تقارن اطلاعاتی

وجود اطلاعات کافی در بازار و انعکاس به موقع و سریع آن بر روی قیمت اوراق بهادار، ارتباط نزدیکی با کارایی بازار دارد. در بازار کارا، اطلاعاتی که در بازار منتشر می‌شود به سرعت بر قیمت تأثیر می‌گذارد. به عبارت دیگر، ویژگی مهم بازار کارا این است که قیمت تعیین شده در بازار، شاخص مناسبی از ارزش اوراق بهادار است، بنابراین بازار کارا به بازاری اطلاق می‌شود که در آن قیمت اوراق بهادار از قبیل قیمت سهام عادی، منعکس کننده تمام اطلاعات موجود در بازار باشد. بازار کارا باید نسبت به اطلاعات جدید، حساس باشد. اگر بازاری نسبت به اطلاعات جدید بی تفاوت باشد و عکس العمل لازم را نشان ندهد، یعنی تحلیل کننده‌ای در بازار برای ارزیابی و بررسی اثر اطلاعات جدید بر قیمت نباشد، به طبع آن بازار، کارایی نخواهد داشت (جهانخانی و پارسائیان، ۱۳۸۹).

تدوین کنندگان اصول و ضوابط حسابداری و وضع کنندگان مقررات بازار سرمایه به طور معمول به منظور حمایت از منافع سرمایه‌گذاران، شرکت‌ها را موظف به افشای اطلاعات می‌کنند. یکی از مهم‌ترین دلایل اقامه شده برای وضع مقررات افشای اطلاعات در حوزه حسابداری، عدم تقارن اطلاعاتی است (واتس و زیمیرمن، ۱۹۸۶). یکی از اثرات عدم تقارن اطلاعاتی این است که بر سر راه فعالیت درست بازار مانع ایجاد می‌کند. یک عضو فعال در بازار (برای مثال فروشنده) همواره در مورد کارایی مورد معامله چیزهایی می‌داند که عضو دیگر (خریدار) از آن آگاه نیست. به عبارت دیگر یکی از طرفین معامله نسبت به دیگری دارای مزیت اطلاعاتی می‌باشد بدین معنی که طرفین معامله به لحاظ دسترسی به اطلاعات در شرایط مساوی قرار ندارند. هنگامی که چنین وضعی وجود داشته باشد، به اصطلاح می‌گویند که بازار دارای یک ویژگی خاص است و آن را عدم تقارن اطلاعاتی می‌نامند (اسکات، ۲۰۱۳).

یکی از فرض‌های بازار رقابت کامل، وجود اطلاعات کامل است. به این معنا که افراد در خصوص کالاهای عرضه شده اطلاعات کاملی دارند. اما در عمل، اطلاعات کافی بین عاملین اقتصادی وجود ندارد. عدم تحقق فرض اطلاعات کافی و کامل نزد افراد بازار، موجب نارسایی عملکرد بازار می‌شود (ترحمی، ۱۳۹۲).

عدم تقارن اطلاعاتی یکی از مشکلات مهم تئوری نمایندگی است که در محیط غیرشفاف به وجود می‌آید. این مشکل در نبود اطلاعات کامل و شفاف ظاهر شده و وضعیتی را ایجاد می‌کند که در آن دو طرف معامله از همه حالت‌های ممکن بی‌اطلاع‌اند و نمی‌توانند همه نتایج قطعی و مطمئن را مورد توجه قرار دهند (اسکات، ۲۰۱۳). در یک سیستم اقتصادی که از دیدگاه اطلاعات نامتقارن است، به طور عمده دو نوع عدم تقارن اطلاعاتی وجود دارد که عبارتند از خطر کژگزینی و خطر کژاخلاقی. در بدترین حالت، امکان دارد یک بازار در نتیجه نامتقارن بودن اطلاعات، به طور کامل متلاشی شود. لذا در شرایط حاضر اقتصاد ایران، لزوم اطلاع‌رسانی صحیح در بازارهای مختلف به شدت احساس می‌شود (ترحمی، ۱۳۹۲).

پیشینه پژوهش

عامری و همکاران (۱۴۰۰)، در پژوهشی به بررسی تأثیر افشای داوطلبانه اطلاعات بر رابطه بین سیاست‌های مالیاتی متهورانه و عدم تقارن اطلاعاتی پرداختند و پژوهش نشان می‌دهد که بین سیاست‌های مالیاتی متهورانه و عدم تقارن اطلاعاتی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. افزون بر آن، یافته‌ها بیانگر این است که افشای داوطلبانه اطلاعات بر رابطه بین سیاست‌های مالیاتی متهورانه و عدم تقارن اطلاعاتی تأثیر معناداری ندارد.

شکاری و همکاران (۱۴۰۰)، در پژوهشی به بررسی الگوی اثر سطح رقابتی بورس اوراق بهادار بر عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه سرمایه پرداختند و یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که براساس هر سه معیار سنجش عدم تقارن اطلاعاتی، عدم تقارن اطلاعاتی بر هزینه سرمایه تأثیر مثبت دارد. به عبارت دیگر، با افزایش عدم تقارن اطلاعاتی، هزینه سرمایه نیز افزایش می‌یابد. نتایج همچنین نشان می‌دهد که سطح رقابت بازار بر رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه سرمایه تأثیر معناداری دارد. به عبارت دیگر، در سطح رقابت ناقص بازار، تأثیر مثبت عدم تقارن اطلاعاتی بر هزینه سرمایه تقویت می‌شود در حالی که، در سطح رقابت کامل، تأثیر مثبت عدم تقارن اطلاعاتی بر هزینه سرمایه تضعیف می‌شود.

قدرتی زوارم و همکاران (۱۴۰۰)، در پژوهشی به بررسی بررسی تأثیر عدم تقارن اطلاعاتی بر ساختار سرمایه با تأکید بر نقش تعدیل کننده ریسک تجاری پرداختند و یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بین عدم تقارن اطلاعاتی و ساختار سرمایه رابطه معناداری وجود ندارد. همچنین نتایج فرضیه دوم حاکی از آن است که ریسک تجاری رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و ساختار سرمایه را تعدیل می‌کند.

کاشانی‌پور و همکاران (۱۳۹۸)، در پژوهشی ارتباط سیاسی، راهبری شرکتی و تهور مالیاتی پرداختند و بررسی یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که برقراری ارتباط سیاسی با دولت تأثیر مثبت و معنادار و وجود اعضاء هیئت‌مدیره مستقل و میزان مالکیت سهامداران نهادی، تأثیر منفی و معنادار بر تهور مالیاتی دارند. همچنین اعضاء هیئت‌مدیره مستقل و میزان مالکیت سهامداران نهادی، رابطه مثبت بین ارتباط سیاسی و تهور مالیاتی را کاهش می‌دهند.

قادری و همکاران (۱۳۹۸)، در پژوهشی به بررسی رابطه بین هزینه‌های سیاسی و شکاف مالیاتی: شواهدی تجربی از بورس اوراق بهادار تهران پرداختند و یافته‌ها نشان داد، رابطه معنی‌داری بین هزینه‌های سیاسی و شکاف مالیاتی وجود ندارد. از این‌رو، شواهدی تجربی در خصوص فرضیه سیاسی و ارتباط آن با شکاف مالیاتی در بورس اوراق بهادار تهران یافت نشد.

بادآورنهدی و همکاران (۱۳۹۷)، در پژوهشی به بررسی نقش تعدیل‌گری ارزش‌گذاری نادرست سهام بر رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و ساختار سرمایه پرداختند و نتیجه پژوهش حاکی از وجود ارتباط معنادار و معکوس بین عدم تقارن اطلاعاتی و ساختار سرمایه است. نتایج بررسی نقش تعدیل‌گری ارزش‌گذاری نادرست سهام نیز نشان می‌دهد که متغیر ارزش‌گذاری نادرست سهام باعث تعدیل رابطه عدم تقارن اطلاعاتی و ساختار سرمایه می‌گردد، لذا برای بررسی دقیق‌تر این رابطه، شرکت‌ها به گروه‌های بیش ارزش‌گذار و کم ارزش‌گذار تفکیک و موضوع پژوهش در این دسته شرکت‌ها با هم مقایسه می‌شوند. مقایسه نتایج رگرسیون نشان داد، در شرایط عدم تقارن اطلاعاتی شرکت‌های کم ارزش‌گذار در مقایسه با شرکت‌های بیش ارزش‌گذار بیشتر از بدهی استفاده می‌کنند.

چونه یانگ چانگ و همکاران (۲۰۲۲)، در پژوهشی به بررسی تأثیر سرمایه‌گذاران نهادی بر اثربخشی حاکمیت شرکت‌ها با در نظر گرفتن عدم تقارن اطلاعات می‌پردازد. نتایج نشان داد که نگهداری بلاک‌های نهادی با تأخیر با اقدامات عدم تقارن اطلاعاتی در آینده، عمدتاً از طریق مؤسسات داخلی بلندمدت، ارتباط منفی دارد. یافته‌ها حاکی از آن است که ابتکارات سیاستی با هدف حل مسائل هزینه نمایندگی در سطح شرکت در بازارهای نوظهور ممکن است با ترویج مشارکت فعال نهادهای داخلی، اثربخشی خود را به حداکثر برساند.

بائر و همکاران (۲۰۲۰)، در پژوهشی به بررسی تأمین مالی و تهور مالیاتی پرداختند و نتایج نشان داد که شرکت‌های چینی از طریق ایجاد شبکه‌ای از وام‌های بین شرکتی برنامه‌ریزی مالیاتی متهورانه خود را در راستای کاهش هزینه مالیات اجرایی می‌کنند.

بالاکریشان و همکاران (۲۰۱۸)، در پژوهشی به بررسی سیاست‌های مالیاتی و شفافیت محیط اطلاعاتی پرداختند و نشان دادند که سیاست‌های مالیاتی متهورانه باعث کاهش شفافیت محیط اطلاعاتی شرکت‌ها از سه منظر خطای پیش‌بینی

تحلیل گر، عدم تقارن اطلاعاتی و کیفیت سود شود؛ بدین صورت که افزایش در سیاست‌های مالیاتی متهورانه موجب افزایش خطای پیش‌بینی تحلیل گر و عدم تقارن اطلاعاتی و کاهش کیفیت سود می‌شود.

عبدالوهاب و همکاران (۲۰۱۷)، در پژوهشی به بررسی نقش راهبری شرکتی بر رابطه ارتباط سیاسی و تهور مالیاتی پرداختند و در ارتباط با نقش راهبری شرکتی بر رابطه بین ارتباط سیاسی و تهور مالیاتی دو دیدگاه وجود دارد. از یک سو، راهبری شرکتی باید تأثیر ارتباط سیاسی بر تهور مالیاتی را کاهش دهد و از سوی دیگر اگر بُعد شخصیتی ارتباط سیاسی (روابط غیررسمی بین شرکت و سیاستمداران) جایگزین بعد سیاسی شود، راهبری شرکتی قادر به کاهش نقش ارتباط سیاسی در رابطه با تهور مالیاتی نیست.

پنگ‌هی و همکاران (۲۰۱۷)، در پژوهشی به بررسی ارتباط بین عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه سرمایه سهام عادی را در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس استرالیا مورد بررسی قرار دادند. نتایج حاصل از پژوهش آن‌ها حاکی از وجود رابطه مثبت و معنادار بین عدم تقارن اطلاعاتی و بازده مورد انتظار سرمایه‌گذاران می‌باشد. همچنین عدم ثبات در پیش‌بینی درآمدها منجر به افزایش هزینه سرمایه سهام عادی شرکت‌ها گردید. به بیان دیگر، عدم تقارن اطلاعاتی و عدم اطمینان در اطلاعات منجر به افزایش هزینه سرمایه شده است.

ساینی و هرمان (۲۰۱۶)، در پژوهشی به بررسی ارتباط بین افشای اطلاعات بخش‌ها، هزینه سرمایه و عدم تقارن اطلاعاتی را مورد بررسی قرار دادند. نتایج حاصل از پژوهش آن‌ها حاکی از وجود یک رابطه منفی معنادار بین هزینه سرمایه حقوق صاحبان سهام و سطح افشای اطلاعات بخش‌ها است. همچنین یک رابطه مثبت معنادار بین هزینه سرمایه حقوق صاحبان سهام و تأثیرات ناشی از عدم تقارن اطلاعاتی است. به بیان دیگر زمانی که عدم تقارن اطلاعاتی بالا منجر به ایجاد یک رابطه منفی قوی و معنادار بین هزینه سرمایه حقوق صاحبان سهام و سطح افشای اطلاعات بخش‌ها می‌گردد.

فرضیه پژوهش

با توجه به مبانی نظری و پیشینه پژوهش و همچنین به منظور دستیابی به اهداف پژوهش، فرضیه ذیل ارائه می‌گردد. تمرکز مالکیت بر رابطه بین تهور مالیاتی و عدم تقارن اطلاعاتی تأثیر معناداری دارد. الگوی پژوهش از نوع رگرسیون چند متغیره است. بنابراین، مدل زیر برای انجام آزمون فرضیه انتخاب شده است: معادله (۱):

$$SPR_{it} = \beta_0 + \beta_1 CO_{it} + \beta_2 TA_{it} + \beta_3 CO_{it} * TA_{it} + \beta_4 SIZE_{it} + \beta_5 LEV_{it} + \epsilon_{it}$$

که در معادله فوق:

TA: معیار شاخص تهور مالیاتی شرکت i در سال t؛

CO: شاخص تمرکز مالکیت شرکت i در سال t؛

SPR: شاخص عدم تقارن اطلاعاتی شرکت i در سال t؛

SIZE: شاخص اندازه شرکت i در سال t؛

LEV: شاخص اهرم مالی شرکت i در سال t؛

تعریف متغیرها به صورت عملیاتی به شرح جدول (۱) زیر است:

جدول (۱): نحوه اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش

نام متغیر	نوع متغیر	نحوه اندازه‌گیری
تمرکز مالکیت	تعدیل‌گر	مجموع درصد سهام سهامدارانی که بیش از ۵ درصد سهام شرکت را دارا می‌باشند

از تفاوت دفتری مالیات برای اندازه‌گیری تجربی تهور مالیاتی استفاده شده که به منظور همگن سازی، بر کل دارایی‌ها تقسیم شده است. تفاوت دفتری مالیات از تفاوت سود حسابداری قبل از کسر مالیات و سود مشمول مالیات به دست می‌آید. سود مشمول مالیات شرکت نیز از راه تقسیم مالیات شرکت بر نرخ مالیات شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران محاسبه می‌شود.	مستقل	تهور مالیاتی
$SPREAD = \frac{(AP - BP)}{\frac{(AP + BP)}{2}} \times 100$	وابسته	عدم تقارن اطلاعاتی
Ln (تعداد سهام × قیمت سهام)	کنترلی	اندازه شرکت
نسبت بدهی جاری به کل دارایی‌ها	کنترلی	اهرم مالی

روش شناسی پژوهش

با توجه به این که داده‌ها مربوط به اطلاعات شرکت‌های واقعی بوده و نتایج آن می‌تواند راه‌گشای تصمیم‌های فعالان بازار سرمایه قرار گیرد از این رو پژوهش کاربردی محسوب می‌گردد. از طرف دیگر به دلیل این که رابطه علی و معلولی بین متغیرهای مستقل و وابسته پژوهش مورد بررسی قرار خواهد گرفت، لذا از لحاظ انجام، علی پس از وقوع است. از لحاظ نحوه اجرا توصیفی و از لحاظ ارتباط بین متغیرها از نوع همبستگی است. و از نوع جمع‌آوری داده‌ها از نوع پژوهش‌های کمی و از لحاظ زمان اجرا گذشته‌نگر و همچنین منطق اجرا استقرایی می‌باشد. مقیاس اندازه‌گیری داده‌های جمع‌آوری شده، مقیاس نسبی است. مقیاس نسبی دارای کلیه ویژگی‌های مقیاس‌های فاصله‌ای، ترتیبی و اسمی است. مقیاس نسبی، دقیق‌ترین مقیاس اندازه‌گیری است. این مقیاس دارای ارزش صفر حقیقی می‌باشد. یعنی نقطه‌ای در مقیاس که نمایانگر فقدان کامل ویژگی مورد اندازه‌گیری است.

جامعه پژوهش حاضر شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی سال ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۱ که بالغ بر ۷۱۹ شرکت است، در نظر گرفته شده است. در این پژوهش از حذف سیستماتیک جهت انتخاب نمونه‌ها استفاده شده است.

با توجه به محدودیت‌ها ۱۴۰ شرکت به عنوان نمونه‌ی پژوهش مورد استفاده قرار گرفتند.

به‌طور کلی اطلاعات و داده‌های این پژوهش با استفاده از دو روش کتابخانه‌ای و اسناد سازمانی گردآوری شده است.

یافته‌های پژوهش

توصیف اطلاعات گردآوری شده یکی از فرآیندهای پژوهش در بخش تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش است که گزارش آنها در پژوهش، مهم است. داده‌های پژوهش با استفاده از منابع اطلاعاتی دست دوم گردآوری و دسته‌بندی شده است. توصیف اطلاعات و داده‌های آماری با توجه به مقیاس‌های اندازه‌گیری انتخاب می‌گردد. بنابراین در این بخش در مورد ویژگی‌های نمونه آماری و شاخص‌های مربوط به صورت‌های مالی اعضای نمونه آماری بحث و بررسی صورت گرفته است که در ادامه به آنها در دو بخش جداگانه پرداخته شده است.

به‌طور کلی، روش‌هایی را که به‌وسیله آنها می‌توان اطلاعات جمع‌آوری شده را پردازش کرده و خلاصه نمود، آمار توصیفی می‌نامند. لازم به ذکر است که پس از حذف داده‌های پرت و مرتب‌سازی داده‌ها، تعداد شرکت-سال‌های متغیرهای پژوهش با اندکی کاهش مواجه شده است.

جدول (۲): شاخص‌های توصیفی متغیرهای مورد مطالعه

متغیرهای پژوهش	نماد	تعداد سال - شرکت	میانگین	میانه	انحراف معیار	بیشینه	کمینه
تمرکز مالکیت	CO	۷۰۰	۰/۵۳۶	۰/۵۱۹	۰/۱۷۸	۰/۹۴۲	۰/۱۳۰
عدم تقارن اطلاعاتی	SPR	۷۰۰	۱/۳۸۱	۱/۳۷۶	۰/۱۷۸	۱/۸۹۶	۰/۰۴۷
تهور مالیاتی	TA	۷۰۰	۰/۲۳۷	۰/۲۱۳	۰/۱۵۵	۰/۵۹۹	۰/۰۸۱
اندازه شرکت	SIZE	۷۰۰	۱۲/۳۰	۱۲/۱۱	۱/۸۲۴	۱۵/۸۷	۹/۴۱۳
اهرم مالی	LEV	۷۰۰	۰/۶۵۸	۰/۶۳۸	۰/۴۱۹	۰/۸۹۳	۰/۰۷۸

در مطالعه حاضر روش برآورد مدل براساس داده‌های تابلویی است. این روش تلفیقی از اطلاعات سری زمانی (۱۳۹۷-۱۴۰۱) و داده‌های مقطعی ۱۴۰۱ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار) می‌باشد. تمامی ارقام محاسبه شده برای هر یک از متغیرهای مدل بر حسب میلیون ریال می‌باشد. برنامه‌ی نرم‌افزاری مورد استفاده در این پژوهش، برنامه نرم‌افزاری ایویوز ۹ می‌باشد. مدل‌های برآورد شده با توجه به فرضیه‌های ارائه شده به صورت مدل رگرسیون چندمتغیره ارائه شده‌اند.

جدول (۳): نتایج آزمون چاو، جهت تشخیص همگن یا ناهمگن بودن مقاطع

آزمون مدل	F	احتمال آماره F	نتیجه آزمون چاو
مدل پژوهش	۱۶/۹۰۶	۰/۰۰۰۰	H ₀ رد می‌شود.

همان‌گونه که در جدول (۳)، دیده می‌شود، نتیجه آزمون چاو، نشان می‌دهد که احتمال به دست آمده برای آماره F در مدل پژوهش کمتر از ۵ درصد است، بنابراین برای آزمون این مدل‌ها، داده‌ها به صورت تابلویی مورد استفاده قرار می‌گیرند.

آزمون هاسمن

در این آزمون از آماره خی‌دو با K درجه آزادی استفاده می‌شود اگر چی دو بدست آمده از مقدار جدول بیشتر بود، H₀ مبنی بر تصادفی بودن رد می‌شود و فرضیه آثار ثابت پذیرفته می‌شود.

جدول (۴): نتایج آزمون هاسمن، جهت تشخیص استفاده از اثرات ثابت یا تصادفی

آزمون مدل	مقدار آماره	احتمال آماره	نتیجه آزمون
مدل پژوهش	۲۹/۵۷۲	۰/۰۰۰۰	اثرات ثابت

در این آزمون H₀ بر مدل پانل دیتا با اثرات تصادفی و فرضیه مقابل بر مدل پانل دیتا با اثرات ثابت دلالت دارد. اگر آماره آزمون هاسمن بزرگ‌تر از مقادیر بحرانی‌اش و یا آماره احتمال آن (prob) کوچک‌تر از ۵ درصد باشد H₀ رد، و باید از مدل اثرات ثابت استفاده شود. طبق نتایج حاصل از آزمون هاسمن برای مدل پژوهش، با توجه به اینکه در ازاء خطای ۵ درصد میزان آماره هاسمن برای مدل پژوهش (۲۹/۵۷۲) شده است و از طرفی میزان سطح معناداری کمتر از ۵ صدم است، لذا H₀ رد می‌شود. رد H₀ نشان می‌دهد که روش اثرات تصادفی ناسازگار می‌باشد و بایستی از روش اثرات ثابت استفاده شود.

فرضیه پژوهش

تمرکز مالکیت بر رابطه بین تهور مالیاتی و عدم تقارن اطلاعاتی تأثیر معناداری دارد.
مدل رگرسیونی برای فرضیه به شرح زیر است:

$$SPR_{it} = \beta_0 + \beta_1 CO_{it} + \beta_2 TA_{it} + \beta_3 CO_{it} * TA_{it} + \beta_4 SIZE_{it} + \beta_5 LEV_{it} + \epsilon_{it}$$

جدول (۵): نتایج آزمون فرضیه

نام متغیر	نماد متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره t	Prob.
مقدار ثابت	C	۰/۶۷۸	۰/۲۸۰	۲/۴۲۰	۰/۰۰۰۰
تمرکز مالکیت	β_1 (CO)	۰/۴۳۹	۰/۱۸۶	۲/۳۵۹	۰/۰۰۱۰
تهور مالیاتی	β_2 (TA)	۰/۵۵۹	۰/۲۰۶	۲/۷۰۵	۰/۰۰۱۸
تمرکز مالکیت*تهور مالیاتی	β_3 (CO*TA)	۰/۲۹۳	۰/۱۴۴	۲/۰۲۷	۰/۰۰۵۶
اندازه شرکت	β_4 (SIZE)	-۰/۱۴۲	۰/۰۳۸	-۳/۶۹۱	۰/۰۰۰۲
اهرم مالی	β_5 (LEV)	۰/۱۷۳	۰/۰۷۷	۲/۴۲۰	۰/۰۰۹۲
آماره F		۱۵/۶۱۰			
سطح معناداری (Prob.)		(۰/۰۰۰۰)			
آماره دوربین واتسون		۱/۹۲۸			
ضریب تعیین (R2)		۰/۸۳۴			
ضریب تعیین تعدیل شده (AdjR2)		۰/۸۲۸			

با توجه به نتایج آزمون مدل پژوهش، سطح معناداری آماره F (۰/۰۰۰) کمتر از سطح خطا بوده و کل مدل رگرسیونی معنادار است. آماره دوربین واتسون (۱/۹۲۸) در فاصله بین ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد بنابراین همبستگی بین اجزای خطای مدل وجود ندارد. با توجه به پایین بودن سطح معناداری آماره t از سطح خطای مورد پذیرش برای ضریب ۴۳ نتایج آزمون نشان می‌دهد که تمرکز مالکیت بر رابطه بین تهور مالیاتی و عدم تقارن اطلاعاتی تأثیر مثبت و معناداری دارد. بنابراین H_0 پژوهش را می‌توان در سطح خطای ۵ درصد رد کرد. همچنین سطح معناداری آماره t از سطح خطای مورد پذیرش برای ضریب ۴۴ نتایج آزمون نشان می‌دهد متغیر کنترلی اندازه شرکت با عدم تقارن اطلاعاتی رابطه منفی و معناداری دارد و سطح معناداری آماره t از سطح خطای مورد پذیرش برای ضریب ۴۵ نتایج آزمون نشان می‌دهد متغیر کنترلی اهرم مالی با عدم تقارن اطلاعاتی رابطه مثبت و معناداری دارد. ضریب تعیین و ضریب تعیین تعدیل شده نیز نشان می‌دهد که متغیرهای وارد شده در رگرسیون توانسته‌اند ۸۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهند.

نتیجه‌گیری کلی

هدف پژوهش حاضر مطالعه تأثیر تمرکز مالکیت بر رابطه بین تهور مالیاتی و عدم تقارن اطلاعاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی سال ۱۳۹۷ الی ۱۴۰۱ است. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل فرضیه‌ها نشان داد که تمرکز مالکیت بر رابطه بین تهور مالیاتی و عدم تقارن اطلاعاتی تأثیر مثبت و معناداری دارد. در تفسیر این نتیجه باید بیان نمود که با توجه به فرضیه انتخاب نامطلوب، در شرکت‌هایی که تمرکز مالکیت زیاد است سهامداران بزرگ به دلیل نفوذ زیاد بر شرکت دارای مزیت اطلاعاتی نسبت به دیگر سهامداران هستند که سبب ایجاد عدم تقارن اطلاعاتی در بازار و کاهش نقدینگی می‌شوند. بنابراین سهامداران بزرگ با توجه به افق کوتاه‌مدت موجب ایجاد فشار بر مدیران برای فدا کردن سرمایه‌گذاری و عملکرد بلندمدت به منظور حفظ رشد سود کوتاه‌مدت و نیز تسریع در شناسایی اخبار خوب در مقابل به تأخیر انداختن شناسایی اخبار بد می‌شود. این امر زمینه را برای اقدام‌های فرصت‌طلبانه مدیران فراهم آورده که نتیجه آن افزایش تهور مالیاتی و عدم تقارن اطلاعاتی بیشتر است.

منابع

- ✓ ابراهیمی، سید کاظم، بهرامی‌نسب، علی، حسن زاده، مهدی، (۱۳۹۶)، واکاوی کیفیت گزارشگری مالی و اجتناب مالیاتی در پرتو مالکیت دولتی و ارتباطات سیاسی، مدیریت سازمان‌های دولتی، دوره ۵، شماره ۲، صص ۶۱-۷۶.
- ✓ اشرف‌زاده، سیدحمیدرضا، مهرگان، نادر، (۱۳۸۷)، اقتصادسنجی پانل دیتا، انتشارات دانشگاه تهران.
- ✓ اعتمادی، حسین، باباجانی، جعفر، آذر، عادل، دیانتی‌دیلمی، زهرا، (۱۳۸۸)، تأثیر فرهنگ سازمانی، تمرکز مالکیت و ساختار مالکیت بر کیفیت اطلاعاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه علوم مدیریت ایران، شماره ۵۱، صص ۱-۱۹.
- ✓ اعتمادی، حسین، سپاسی، سحر، ساری، محمدعلی، (۱۳۹۵)، چارچوب مفهومی طرح‌ریزی مالیات شرکتی، مجله پژوهش حسابداری، دوره ۶، شماره ۱، صص ۶۱-۸۰.
- ✓ انواری‌رستمی، علی‌اصغر، سراجی، حسن، (۱۳۹۳)، سنجش فکری و بررسی رابطه میان سرمایه فکری و ارزش بازار سهام شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران، مجله بررسی‌های حسابداری و حسابرسی شماره ۳۹، صص ۵۱-۶۹.
- ✓ باباجانی، جعفر، عبدی، مجید، (۱۳۹۲)، رابطه حاکمیت شرکتی و سود مشمول مالیات شرکت‌ها، پژوهش‌های حسابداری مالی، سال دوم، شماره هشتم، صص ۴۹-۶۸.
- ✓ بادآورنهنندی، یونس، خجسته، هیوا، شریف‌زاده، غفور، (۱۳۹۷)، نقش تعدیل‌گری ارزش‌گذاری نادرست سهام بر رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و ساختار سرمایه، فصلنامه پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، دوره ۱۰، شماره ۳۷، صص ۶۷-۸۲.
- ✓ برادران‌حسن‌زاده، رسول، بادآورنهنندی، یونس، حسین‌بابایی، قادر، (۱۳۹۱)، بررسی رابطه بین برخی مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی با ارزش ایجاد شده برای صاحبان سهام و ارزش افزوده اقتصادی، فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۹، صص ۱۱۲-۱۳۴.
- ✓ بهارمقدم، مهدی، امینی‌نیا، میثم، (۱۳۹۳)، بررسی رابطه بین تمرکز مالکیت و جسورانه بودن مالیات، پژوهش‌های حسابداری مالی، دوره ۶، شماره ۴، صص ۲۳-۳۶.
- ✓ پورحیدری، امید، امینی‌نیا، میثم، فدوی، محمدحسن، (۱۳۹۳)، بررسی تأثیر اجتناب از پرداخت مالیات بر هزینه سرمایه سهام عادی، با لحاظ فرصت‌های رشد و مالکیت نهادی، فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه، سال ۱۹، شماره ۳، صص ۱۹۰-۱۷۳.
- ✓ پورحیدری، امید، سروستانی، حسین، (۱۳۹۲)، شناسایی و تبیین عوامل مؤثر بر مدیریت مالیات، مجله دانش حسابداری، سال ۴، شماره ۱۲، صص ۸۹-۱۱۰.
- ✓ پورحیدری، امید، فدوی، محمدحسین، امینی‌نیا، میثم، (۱۳۹۲)، بررسی تأثیر اجتناب از پرداخت مالیات بر شفافیت گزارشگری مالی، پژوهشنامه اقتصاد، دوره ۱۴، صص ۶۹-۸۵.
- ✓ پورزمانی، زهرا، جهانشاد، آریتا، محمودآبادی، علی، (۱۳۹۳)، تأثیر سرمایه فکری بر ارزش بازار و عملکرد مالی، بررسی حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۹، شماره دوم، صص ۴۳-۵۸.
- ✓ ترحمی، حسین، (۱۳۹۲)، تأثیر عدم تقارن اطلاعاتی و اقلام تعهدی بر سودآوری، پژوهش‌های حسابداری و مالی، سال پنجم، شماره ۱۹، صص ۱۸-۳۴.
- ✓ جعفری صمیمی، احمد، حمزه‌ای، علی‌اکبر، (۱۳۸۶)، بررسی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی، مطالعه موردی صنف طلافروشان استان مازندران، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، شماره ۳۴، صص ۷۹-۹۲.

- ✓ جلالی، امیر، (۱۳۹۲)، تأثیر ساختار مالکیت بر عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، مجله بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۵۸، صص ۱۴۵-۱۶۳.
- ✓ Clarkson, G. (2011). Information asymmetry and information sharing. *Government Information Quarterly*. Vol.24, Issue4, pp827-839.
 - ✓ Dittmar, A. (2007). Corporate governance and value of cash holding", *Journal of Financial Economics*, Vol.83, pp.599-634.
 - ✓ Martinez-Sola, Cristina, Garcia-Teruel, Pedro J. & Martinez-Solano, Pedro (2019). Corporate Cash Holding And Firm Value", *Applied Economics*, Vol. 45, Iss. 2
 - ✓ Mikkelsen, W. & Partch, M. (2017). Do persistent large cash reserves hinder performance? *Jornal of Financial and Quantitative Analysis*, 38, 275-294.
 - ✓ Ozkanaydin, A. (2008). Corporate cash holdings: an empirical investigation of UK companies, *Journal of Banking and Finance* 28, 2103-2134.
 - ✓ Tsipouridou, M. and Spathis, Ch., (2017), Audit Opinion and Earnings Management: Evidence from Greece, *Accounting Forum*, Vol. 38, No. 1, PP. 38-52.

